

انتقام گیری عجیب از شوهر با سناریوی دروغین اسیدپاشی



زن جوان با دستور قاضی بازداشت شده و تحقیقات برای دستگیری جاعل گواهی پزشکی قانونی ادامه دارد.

گروه حوادث - تیزهوشی باز پرس جنایی تهران دست زنی جوان که به دروغ شوهرش را متهم به اسیدپاشی کرده بود، رو کرد. چند وقت قبل زنی جوان به دادسرای جنایی تهران رفت. او گفت که شوهرش به روی او اسید پاشیده است. وی با ارائه برگه پزشکی که نشان می داد بدن و دست و پایش دچار سوختگی با اسید شده است به باز پرس ساسان غلامی، گفت: با شوهرم از طریق یکی از آشنایانم آشنا شدم و به عقد وی درآمد. اما بعد از عقد متوجه رفتارهای عجیب او شدم. او مردی خشن و بد اخلاق بود. هر وقت دعوایمان می شد، مرا بیه باد کتک می گرفت. با این حال از ترس آبروریزی به کسی حرفی نزد. مدتی گذشت تا اینکه به مراسم عروسی من نزدیک شدیم. قرار شد به خاطر کرونا فقط چند نفر از بستگان نزدیکمان را دعوت کنیم و حتی کارت های عروسی را هم پخش کردیم اما شوهرم چند روز قبل جازد و گفت که به همه بستگانش اعلام کرده که مراسم عروسی من به هم خورده است. بر سر این مسئله با یکدیگر درگیر شدیم و من تصمیم به جدایی از او گرفتم. اما او مرا تهدید به قتل و اسیدپاشی کرد. وی ادامه داد: روز حادثه وقتی از خانه خارج شدم که به محل کارم بروم، ناگهان شوهرم که به کمین من نشسته بود به سمتم هجوم آورد. یک ظرف اسید به روی من پاشید و فرار کرد. فریاد کشیدم و از مردم کمک خواستم که رهگذران به کمک آمدند و مرا به بیمارستان رساندند. من از ناحیه دست، شکم و پا دچار سوختگی شدم و تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.

با این شکایت، متهم به دادرسی احضار شد و وقتی پیش روی باز پرس شعبه سوم قرار گرفت متکر اسیدپاشی شد و گفت: همسرم به دروغ مرا متهم به اسید پاشی کرده است. پس از عقد متوجه شدم که او مشکل روحی و روانی دارد. حتی در روز قبل از عروسی ناگهان غیبت زد. ما کارت های عروسی را در میان بستگانمان پخش کرده بودیم، اما همسرم پس از یک بگومگویی ساده با من، ناگهان غیبت زد و باعث شد که مراسم عروسی را به هم بزنم. بعد از این اتفاق تصمیم گرفتم از او جدا شوم تا اینکه فهمیدم از من به اتهام اسیدپاشی شکایت کرده است. شاکه، متهم شد.

رابطه پنهانی منجر به قتل شد!

اشک های پشیمانی قاتل یک دوست در یک قدمی چوبه دار



گروه حوادث - پسر جوان که در درگیری مستانه، دوست میانجی را کشته بود پس از هفت سال توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و به زندگی برگردد.

قتل دوست در صباشهر اتفاق افتاد. این قتل با جاقو رخ داد. متهم قتل را گردن گرفت. ۷ سال از قتل گذشته است. متهم پرونده قتل توانست رضایت بگیرد. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۳ در دنبال درگیری خونین در صباشهر آغاز شد. در آن درگیری که میان دو دوست به نام های سپهر و آریین رخ داده بود دوست دیگرشان به نام طاهر زخمی شد. وی که به بیمارستان منتقل شده بود ساعتی بعد به خاطر شدت خونریزی جان سپرد و ماموران پلیس به بازجویی از سپهر و آریین پرداختند.

سپهر قتل را گردن گرفت و گفت: من با آریین و طاهر دوست بودم. آن روز سر موضوعی بچه گانه با آریین درگیر شدم که او به رویم جاقو کشید من جاقو را از دستش گرفتم.

موقع طاهر در آنجا بود که همان موقع طاهر قصد میانجگری داشت و می خواست ما را از هم جدا کند که من جاقو را به شست آریین پرتاب کردم اما جاقو ناخواسته با طاهر برخورد کرد و او روی زمین افتاد. من که شوکه شده بودم بلافاصله او را به بیمارستان رساندم اما کار از کار گذشته بود. پس دنبال اعتراف های پسر جوان برای وی کیفخواست صادر و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. سپهر در حالی که اشک می ریخت به تشریح ماجرا پرداخت و با حکم قضایی به قصاص محکوم شد. اما قبل از قطعی شدن حکم در دیوان عالی کشور توانست رضایت اولیای دم را جلب کند.

به این ترتیب در حالی که ۷ سال از قتل گذشته بود وی به زندگی برگشت و از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

در آن جلسه سپهر گفت: بساور کنید من هیچ خصومتی با طاهر نداشتم. آن روز همراه او و آریین برای تفریح به صباشهر رفته بودیم اما من و آریین با هم درگیر شدیم. ما آن روز مشروب خورده و حال طبیعی نداشتم که دعوا میان ما بالا گرفت. طاهر قصد میانجگری داشت و بی گناه کشته شد. من از مرگ او شرمنده هستم.

گروه حوادث - وقتی با شماره تلفن مشکوک تماس گرفتم که از گوشی همسرم برداشته بودم، دنیا روی سرم خراب شد و دیگر چیزی نفهمیدم. زمانی که در بیمارستان به هوش آمدم جنین سقط شده بود...

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۲ ساله ای است که مدعی بود به دلیل اعتماد بی جا به زن همسایه و معاشرت های خارج از عرف اجتماعی، زندگی اش در آستانه نابودی قرار گرفته است. وی درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری طبری شمالی مشهد گفت: فرزند اول یک خانواده پنج نفره بودم و در حاشیه شهر زندگی می کردم. پدرم مغازه کوچکی داشت. او به سختی هزینه های زندگی را تامین می کرد.

با این همه من به دلیل چهره زیبایی که داشتم، مورد توجه همه قرار می گرفتم به گونه ای که از حدود ۱۱ سالگی خواستگاران زیادی داشتم و هر از گاهی یکی از اهالی محل یا بستگانم به خواستگاری ام می آمد ولی پدرم حاضر نمی شد. مرا در آن سن و سال عروس کند تا این که بالاخره در ۱۷ سالگی خانواده «باسر» مرا خواستگاری کردند. خواهر او همسایه خاله ام بود و من چندین بار او را در کوچه دیده بودم. باسر هم خیلی خوش تیپ و زیبا بود و به همین دلیل برخی از دختران محله توجه زیادی به او داشتند. خانواده باسر از طبقه متوسط و مرفه جامعه بودند و یک فروشگاه بزرگ تلفن همراه برای فرزندانمان تاسیس کرده بودند. خلاصه روزی که او به خواستگاری ام آمد خیلی از دختران محله به من حسادت می کردند، برخی دیگر هم برای این بخت بلند به من تبریک می گفتند. طولی نکشید که من و باسر پای سفره عقد نشستیم اما از همان روزهای آغازین دوران نامزدی، متوجه رفتارهای غیر عادی باسر شدم.

وقتی به خانه می آمد، مدام با تلفن همراهش سرگرم بود و توجهی به من نداشت. هنگامی که اعتراض می کردم با این پاسخ رویه رو می شد که کار من با تلفن همراه است. من هم حرف هایش را باری نمی کردم تا این که شش ماه بعد زندگی مشترکمان را آغاز کردیم اما باز هم رفتارهای همسرم هیچ تغییری نکرد. در این میان من هم با چند نفر از زنان همسایه دوست شدم تا از تنهایی بیرون بیایم. در بین آن ها زن جوانی به نام «ستاره» بود که شوهرش در شهرستان کار می کرد و هر ماه چند روزی به مشهد می آمد. به همین دلیل روابط من و ستاره خیلی صمیمی شد به طوری که باسر مرد هر دو خانواده شده بود و همه امور مردانه مربوط به خانه ستاره را نیز انجام می داد. این صمیمیت ها به معاشرت های خارج از عرف رسید و بسیاری از حرمت های اعتقادی از بین رفت به طوری که حتی وقتی من هم در خانه نبودم او به منزل ما می آمد یا همسرم برای خرید لوازم و مایحتاج روزمره به خانه ستاره می رفت. از سوی دیگر من ستاره را مانند خواهرم دوست داشتم و همه مشکلات زندگی ما را با او در میان می گذاشتم و در دلدل هایم را برایش بازگو می کردم. اگرچه ستاره مرا دلدار می می داد ولی آرام آرام احساس می کردم روابط باسر و ستاره

عادی نیست. با این حال نمی خواستم با بدبینی به ماجرا نگاه کنم تا این که بعد از سه سال زندگی مشترک، باردار شدم و بنابه توصیه پزشک باید استراحت مطلق می کردم. به همین دلیل لوازم شخصی ام را برداشتم و در حالی به خانه مادرم رفتم که دلشوره عجیبی سراسر وجودم را فرا گرفته بود. مادرم تلاش می کرد تا من احساس آرامش کنم اما سوه ظن مانند خوره به جانم افتاده بود. در همین شرایط با تاکسی تلفنی و به طور ناگهانی به خانه خود رفتم. همسرم برخلاف همیشه در خانه بود و ستاره هم به بهانه آوردن غذا در خانه ما حضور داشت. چند روز در خانه خودمان ماندیم تا این که متوجه شدم باسر بیشتر با یک شماره تلفن تماس می گیرد یا پیام می دهد. در یک فرصت مناسب با آن شماره مرموز تماس گرفتم.

آن سوسی خط ستاره بود که بی مقدمه قربان صدقه همسرم می رفت. دنیا روی سرم خراب شد و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی در بیمارستان به هوش آمدم فرزندم سقط شده بود. اگرچه ستاره رابطه اش با همسرم را انکار کرد و مدعی شد باسر را برادر خودش می داند اما...

رسیدگی روان شناختی به این پرونده با صدور دستور سرگرد یعقوبی (رئیس کلانتری طبری شمالی) توسط مشاوران زنده مددکاری اجتماعی آغاز شد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>مفقودی</h3>	<h3>استخدام</h3>	<h3>خدمات</h3>	<h3>حمل بار</h3>
<p>برگه ی سهام شرکت سهامی همیاران پانیز کیش سهامی خاص شماره ثبت ۶۷۳۴ به نام اعظم زارع به کد ملی ۰۰۷۶۹۲۷۰۰۸ ، کد سهامدار ۰۱۹۹/۰۱۵/۳۰ و شماره سهام از شماره ۱۲۸۰۶ الی ۱۲۸۷۰ تعداد سهام ۶۵ سهم عادی با نام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>دو نفر نیروی آقا جهت نگهداری مجتمع مسکونی با شرایط زیر مورد نیاز است: ۱ - حداکثر سن ۳۰ سال ۲ - تحصیلات دیپلم ۳ - داشتن تجربه ارجحیت دارد تلفن تماس: ۰۷۶-۴۴۴۵۴۵۹۱ و ۰۹۳۴۷۶۸۱۲۰۶ ساعات تماس: از ۹ الی ۱۲ و ۱۷:۳۰ الی ۱۹:۳۰</p>	<p>خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴</p>	<p>دو نفر نیروی آقا جهت نگهداری مجتمع مسکونی با شرایط زیر مورد نیاز است: ۱ - حداکثر سن ۳۰ سال ۲ - تحصیلات دیپلم ۳ - داشتن تجربه ارجحیت دارد تلفن تماس: ۰۷۶-۴۴۴۵۴۵۹۱ و ۰۹۳۴۷۶۸۱۲۰۶ ساعات تماس: از ۹ الی ۱۲ و ۱۷:۳۰ الی ۱۹:۳۰</p>
<p>دفترچه کار به نام امان اله ابراهیمی به شماره پاسپورت ۰۲۵۴۴۸۲۵ و شماره دفترچه کار ۱۷۱۷۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p>منشی شیفت بعدازظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک ۵۳ طبقه سوم واحد ۴۴۴۲۴۹۹۹ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>تاسیسات ساختمانی کریمی ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴</p>	<p>کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک ۵۳، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>از کارمند خانم برخوردار از سابقه کار در دفتر بیمه دعوت به همکاری می شود. شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس: ۸ صبح تا ۳ ظهر</p>	<p>بیمه آسیا با بیمه عمر برای خودت سرمایه گذاری کن برای فرزندت آینده بخر جزیره کیش برج صدف ورودی اداری واحد ۳۰۸ - شماره تماس ۰۷۶۴۴۴۵۸۰۸۸</p>	<p>تدریس خصوصی دروس ابتدایی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی ۰۹۱۱۹۶۷۴۳۵۴</p>	<p>نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰</p>

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش
اماکن قرنطینه ای . منازل مسکونی تجاری . اداری . پروژه ها و . . . با مه پاش های سرد - فوری
ضد عفونی